

دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی

ذیل دوم

آذریزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم

به سرپرستی

مسعود جعفری جزی

تهران ۱۴۰۴

دانشنامه زبان و ادب فارسی

جلد هشتم (ذیل ۲)

چاپ اول: ۱۴۰۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

چاپ و صحافی: هدف

مدیر فنی چاپ: حمیدرضا دمیرچی

همه حقوق برای فرهنگستان زبان و ادب فارسی محفوظ است

ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تهران، بزرگراه شهید حقانی، مجموعه فرهنگستان‌ها، بلوار دکتر حسن حبیبی، تلفن: ۸۸۶۴۲۳۳۹-۶۸

کدپستی: ۱۵۳۸۶۳۳۱۱۰؛ صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

قیمت: ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال

سرشناسه	سعدت، اسماعیل، ۱۳۰۴-۱۳۹۹.
عنوان و نام پدیدآور	دانشنامه زبان و ادب فارسی / به سرپرستی اسماعیل سعدت.
مشخصات نشر	تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴.
مشخصات ظاهری	ج: ۲۲×۲۸ س م.
فروست	فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱.
شابک	دوره: ۹۶۴-۷۵۳۱-۲۶-۵؛ ج: ۱. ۹۶۴-۷۵۳۱-۴۰-۰؛ ج: ۲. ۹۶۴-۷۵۳۱-۶۲-۱؛ ج: ۳. ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۰۵-۷۲-۴؛ ج: ۴. ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۳-۲۱-۷؛ ج: ۵. ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۳۱-۹۰-۰؛ ج: ۶. ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۳-۸۳-۵؛ ج: ۷. ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۳۵-۲۳-۶؛ ج: ۸. ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۰۵-۷۲-۴.
وضعیت فهرست‌نویسی	فایا
یادداشت	جلد هشتم به سرپرستی مسعود جعفری جزی.
یادداشت	ص.ع. به انگلیسی: Esmā'il Sa'adat. Encyclopaedia of Persian language and literature
یادداشت	ج: ۲. (چاپ اول: ۱۳۸۶).
یادداشت	ج: ۳. (چاپ اول: ۱۳۸۸).
یادداشت	ج: ۴. (چاپ اول: ۱۳۹۱).
یادداشت	ج: ۵. (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیبا).
یادداشت	ج: ۶. (چاپ اول: ۱۳۹۵) (فیبا).
یادداشت	ج: ۷. (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فیبا).
یادداشت	ج: ۸. (چاپ اول: ۱۴۰۴) (فیبا).
مندرجات	ج: ۱. آب - برزویه - ج: ۲. برندق خجندی - حیرتی تونی - ج: ۳. خارزنجی - سنایی غزنوی - ج: ۴. سندبادنامه - فردوسی - ج: ۵. فردوسی ثانی - مسرور طالقانی - ج: ۶. مسعود، محمد - یونس - ج: ۷. ذیل: آتشی، منوچهر - یونکر، هاینریش - ج: ۸. ذیل: ۲: آذریزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم.
موضوع	ادبیات فارسی - دایرةالمعارفها.
موضوع	دایرةالمعارفها و واژه‌نامه‌ها.
شناسه افزوده	فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۴ ۷ د ۳ / ۳۳۲۱ PIR
رده‌بندی دیویی	۸۰۳ ف ۸
شماره کتابشناسی ملی	۸۴-۱۶۶۸۱ م

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۰۵-۷۲-۴ (ج ۸. ذیل ۲) ISBN 978-622-5305-72-4 (vol.8 Supplement II)

ISBN 964-7531-26-5 (set)

شابک ۹۶۴-۷۵۳۱-۲۶-۵ (دوره)

ش ۲۱، تهران، فروردین-اردیبهشت ۱۳۶۳؛ آدینه‌وند، مسعود، سیدحسین خدیوجم، تهران، ۱۳۹۹؛ آشتیانی، جلال‌الدین، «یادی از خدیوجم»، کیهان اندیشه، ش ۱۴، قم، مهر-آبان ۱۳۶۶؛ اتحاد، هوشنگ، پژوهشگران معاصر ایران، تهران، ۱۳۸۱؛ افشار، ایرج، «حسین خدیوجم»، آینده، س ۱۲، ش ۱۱-۱۲، تهران، بهمن-اسفند ۱۳۶۵؛ انزابی‌نژاد، رضا، «توضیحاتی بر ترجمه‌الایام»، راهنمای کتاب، س ۱۳، ش ۳-۴، تهران، خرداد-تیر ۱۳۴۹؛ باغ‌بی‌برگی (یادنامه مهدی اخوان ثالث «م. امید»)، به‌کوشش مرتضی کاخی، تهران، ۱۳۷۹؛ باقرزاده، علی، نامه‌فرزادگان، مشهد، ۱۳۸۷؛ بیهقی، حسینعلی، «دانشی‌مرد خودساخته»، کتاب پاز ۹، مشهد، تابستان ۱۳۷۲؛ پروین‌گنابادی، بهرام، «خدیوجم، حسین»، دانشنامه جهان اسلام، زیرنظر غلامعلی حدّاد عادل، تهران، ۱۳۹۰؛ هسو، «یادی از پژوهشگر آثار غزالی»، اطلاعات حکمت و معرفت، س ۲، ش ۷، تهران، مهر ۱۳۸۶؛ حمیدیان، سعید، «کاری نه در خور حافظ»، نشر دانش، ش ۲۱، تهران، فروردین-اردیبهشت ۱۳۶۳؛ خدیوجم، حسین، «مقدمه»، نک: غزالی؛ هسو، «یادی از جلال آل‌احمد»، نک: یادنامه جلال آل‌احمد؛ ذاکری، م.، «کیمیای سعادت تصحیح انتقادی نشده است»، نشر دانش، س ۳، ش ۵، تهران، مرداد-شهریور ۱۳۶۲؛ شفیع کدکنی، محمدرضا، «انتقاد از کیمیای سعادت»، نشر دانش، س ۳، ش ۶، تهران، مهر-آبان ۱۳۶۲؛ هسو، حالات و مقامات م. امید، تهران، ۱۳۹۱؛ هسو، «گفت و شنود فلسفی در زندان ابوالعلائی معری»، راهنمای کتاب، س ۹، ش ۳، تهران، تیر ۱۳۴۵؛ غزالی، محمّدبن محمّد، احیاء علوم‌الدین (ربع عبادات)، ترجمه مؤیدالدین خوارزمی، به‌کوشش حسین خدیوجم، تهران، ۱۳۸۶؛ فیاض، علی‌اکبر، «دکتر حسین خدیوجم»، یغما، ش ۳۱۷، تهران، بهمن ۱۳۵۳؛ قزایی، یدالله، چهل و چند سال با امید، تهران، ۱۳۷۰؛ قیامی میرحسینی، جلال، ده چهره، ده نگار، مشهد، ۱۳۷۷؛ مسرت، حسین، «دانشمندی که همواره دانشجو بود»، کتاب پاز ۷، مشهد، زمستان ۱۳۷۱؛ مظفری، مهدی، «به یاد حسین خدیوجم»، آینده، س ۱۴، ش ۹-۱۲، تهران، آذر-اسفند ۱۳۶۷؛ موسوی گرمارودی، علی، «آن روزها»، سخن، دوره ۲۱، تهران، تیر ۱۳۵۱؛ مؤید شیرازی، جعفر، «خانلری و اخوان»، نک: باغ بی‌برگی؛ مہیار، عباس، با خلوت گزیدگان خاک، تهران، ۱۳۷۸؛ نیاز کرمانی، سعید، حافظ‌شناسی، تهران، ۱۳۶۶؛ یادنامه جلال آل‌احمد، به‌کوشش علی دهباشی، تهران، ۱۳۶۴؛ یوسفی، غلامحسین، «آن روزها»، راهنمای کتاب، س ۱۲، ش ۷-۸، تهران، مهر-آبان ۱۳۴۸؛ هسو، «درگذشت مردی سزاوار تحسین»، کیهان فرهنگی، ش ۳۲، تهران، آبان ۱۳۶۵؛

«Khadiv-Jam, Hoseyn», Iranica XVI, NewYork, 2021.

سلیمان ساکت

خَرَدَنمای جان آفرور. رساله‌ای در ترجمه و شرح صد

سخن از سخنان علی (ع)، به همراه سخنانی در حکمت و اخلاق، اثر ابوالفضل یوسف‌بن علی مستوفی. از مؤلف و دوران زندگی او

۱۳۴۴) که شفیع کدکنی نکته‌هایی را در نقد آن متذکر شده است («گفت و شنود فلسفی در زندان ابوالعلائی معری»، ص ۱۶۱-۱۶۵)؛ استخراج آبهای پنهانی اثر ابوبکر محمّدبن الحسن الحاسب الکرجی (تهران، ۱۳۴۵)؛ روش تصحیح نسخه‌های خطی اثر صلاح‌الدین منجّد (تهران، ۱۳۴۶)؛ مفتاح‌العلوم اثر ابوعبدالله محمّدبن احمدبن یوسف کاتب خوارزمی (تهران، ۱۳۴۷)؛ جبر و مقابله تألیف محمّدبن موسی خوارزمی (تهران، ۱۳۴۸)؛ احصاءالعلوم اثر ابونصر محمّد فارابی (تهران، ۱۳۴۸)؛ آن روزها، زندگی‌نامه خودنوشت طه حسین، (ترجمه جلد اول و دوم، تهران، ۱۳۴۸)؛ انتشار ترجمه هر سه جلد، تهران، ۱۳۵۰. این اثر که در میان ترجمه‌های خدیوجم شهرت بسزایی دارد، به نثری ساده، روان، یکدست و استوار به فارسی برگردانده شده (یوسفی، «آن روزها»، ص ۴۰۸؛ موسوی گرمارودی، ص ۱۲۳۸)، البته لغزش‌هایی نیز به آن راه یافته است (انزابی‌نژاد، ص ۳۳۷-۳۴۱)؛ ۳. تصحیح متون که عبارت‌اند از: حقایق‌الأخبار ناصری (تهران، ۱۳۴۴)؛ نوشته محمّدجعفر خورموجی، ملقب به حقایق‌نگار، مورخ عصر ناصری که شرح نسبتاً مفصل وقایع دوران حکومت ناصرالدین شاه تا سال ۱۲۸۴ق است؛ ترجمه رساله اضحویه ابن‌سینا (تهران، ۱۳۵۰)؛ کتاب الخراج و صنعة‌الکتابه اثر ابوالفرج قدامة‌بن جعفر (تهران، ۱۳۵۳)؛ معجم شاهنامه اثر محمّدبن محمّد العلوی الطوسی (تهران، ۱۳۵۳)؛ ترجمه احیاء علوم‌الدین اثر مؤیدالدین خوارزمی (تهران، ۱۳۵۱-۱۳۵۹)؛ کیمیای سعادت (نیمه نخست، تهران، ۱۳۵۴)؛ دوره کامل کتاب، تهران، ۱۳۶۱) که البته با انتقاداتی مواجه شد (نک: ذاکری، ص ۹۹؛ شفیع کدکنی، «انتقاد از کیمیای سعادت»، ص ۳۱-۳۲)؛ جواهرالقرآن (تهران، ۱۳۶۰)؛ مسیر طالبی اثر ابوطالب‌بن محمّد اصفهانی (تهران، ۱۳۵۲) و خاطرات ظلّ‌السلطان (تهران، ۱۳۶۸) که بعد از درگذشت او به چاپ رسید. او چندین بخش از ترجمه احیاء علوم‌الدین و کیمیای سعادت را به صورت جداگانه نیز منتشر کرد. همچنین در آماده‌سازی و انتشار چند کتاب؛ از جمله، نامه‌های عین‌القضات همدانی (بیروت، ۱۹۶۹م)، هفتادسالگی فرخ (تهران، ۱۳۴۴) و روضه‌خلد (تهران، ۱۳۴۵) مشارکت داشت. او همچنین، به پیشنهاد جلال آل‌احمد* و به یاری او، بر آن بود ترجمه‌ای روان و زیبا از قرآن فراهم آورد که جوان‌پسند باشد، اما پس از مرگ جلال، آن را نیمه‌کاره رها کرد (نک: خدیوجم، «یادی از جلال آل‌احمد»، ص ۳۲۸-۳۲۹؛ «خدیوجم»، ص ۴۳۳). منابع: آجودانی، ماشاءالله، «بررسی واژه‌نامه حافظ»، نشر دانش،

این رساله سرشار از واژه‌ها و ترکیبات کهن و زیباست (نک: جمال‌زاده، ص ۳۰۶-۳۰۷) که شماری از آنها عبارت‌اند از: رفتن جای (= مذهب) (نک: مستوفی، خردنمای جان‌افروز، ص ۶)؛ کبرآور (= متکبر) (همان، ص ۵۸)؛ بغم (= غمگین) (همان، ص ۴۲)؛ دیو مردم (همان، ص ۴۹)؛ زمان دادن (= مهلت دادن) (همان، ص ۱۶)؛ قهر کردن (= مقهور کردن) (همان‌جا)؛ دلیر (= گستاخ) (همان، ص ۱۳۷)؛ بستگی (= بسته بودن، مقابل گشایش) (همان، ص ۴۹)؛ بارگیر (= اسب و استر) (همان، ص ۷۶)؛ باز جهیدن (= کندشدن) (همان، ص ۵۲) و خلق فرمودن (= نیکی کردن) (همان، ص ۱۰). افزون بر این، از نظر حفظ و شناخت سخنان امام علی (ع) منبعی ارزشمند به‌شمار می‌آید، چرا که بیش از سی کلمه از صد کلمه آن حضرت در منابع دیگری که گفتار و سخنان امام در آنها گرد آمده، یافت نشده است. همچنین ۲۵۶ بیت از فردوسی در این رساله آمده است. عابدی (ص چهارده) تعداد ابیات فردوسی را ۲۷۵ بیت و خالقی مطلق (ص ۷۳۸)، بر اساس چاپ ادیب برومند، ۲۵۲ بیت نوشته‌اند که غالباً برگرفته از بخش تاریخی شاهنامه* است و اغلب ابیاتی است اندرزگونه که از زبان پادشاهان به هنگام نشستن بر تخت سروده شده است. این اشعار، در حقیقت، در «زمره اندرزنامه‌های کهن ایرانی به‌شمار می‌آیند» (نک: ساکت، ص ۲۴۱). ضبط این ابیات، با توجه به قدمت رساله، در تصحیح شاهنامه نیز اهمیت دارد (نک: خالقی مطلق، همان‌جا؛ دبیرسیاقی، ص ۵).

خردنمای جان‌افروز از فصلهایی کوتاه فراهم آمده است. فصل اول «در خرد برزیدن» نام دارد. در مقدمه کوتاه ابتدای کتاب نیز، چندین بار واژه‌های «خرد» و «خردمند» به کار رفته است که نشان‌دهنده اثرپذیری مؤلف از شاهنامه است. عناوین فصلهای کوتاه بعدی «در خون ناریختن پادشاه» و «در استزادت نداشتن از پادشاه» و طریق عدل سپردن و امساک نکردن و کینه نداشتن پادشاه از دیگران است. همچنین در سراسر رساله، عناوینی چون اهمیت برخورداری از وزیر ناصح و دبیر کاردان، آهستگی نمودن با مردم بدکردار، راز ناگفتن با زنان، تأمل کردن در حال مردمان، خشم فرو خوردن و بردباری ورزیدن، حزم و اندیشه در کارها، عیب‌ناجستن و... نیز دیده می‌شود. این امر دغدغه مؤلف را در فراهم آوردن رساله‌ای مختصر و کاربردی برای پادشاهان و حاکمان نشان می‌دهد. قصد او این است که اصول سیاست‌ورزی و حکومت‌داری را به آنان بیاموزد و، با توصیه‌های اخلاقی، سرکشیها و آشفته کاریهای ایشان را مهار کند. افزون بر این، ابتکار مؤلف در کنار هم قرار دادن صدمبارۀ امام علی (ع) و فردوسی شایان توجه است.

جز نام و همین رساله بازمانده، چیز دیگری نمی‌دانیم. ادیب برومند (ص سه-چهار) این اثر را از نثرهای اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم و مؤلف را، به احتمال، «خراسانی» دانسته (نیز نک: قادری، ص ۱۰۷) و اذکایی (ج ۷، ص ۱۰۹) آن را از آثار اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم شمرده است، اما از آنجا که کهن‌ترین دست‌نویس موجود از این اثر در سال ۷۲۹ق کتابت شده است، می‌توان گمان برد که عمده زندگی مؤلف پیش از سده هشتم، یعنی در سده‌های ششم یا هفتم بوده است. افزون بر این، چون رساله شرح صد کلمه از کلمات قصار امام علی (ع) است، چه بسا مؤلف در تدوین آن به کتاب مطلوب کل طالب رشید و طواط* (متوفی ۵۷۳ق) نظر داشته است (نک: کریمی زنجانی، ج ۷، ص ۱۱۰). بنابراین، با توجه به سال مرگ و طواط، می‌توان حدس زد که بیشترین روزهای عمر ابوالفضل مستوفی در سده هفتم سپری شده است (نک: عابدی، ص یازده-دوازده؛ ساکت، ص ۲۳۸).

کتاب ساختاری سه بخشی دارد؛ بدین صورت که مؤلف صد عنوان را برگزیده و ذیل هر یک، ابتدا سخنی از بزرگان و نامداران روزگار آورده که به احتمال بسیار از متون عربی ترجمه شده است. سپس، آن سخن را به کلمه قصاری از امام علی (ع) و ابیاتی از فردوسی* آراسته است.

انگیزه مستوفی از تدوین این رساله، در آمیختن سخنان حکمت‌آمیز با نظم و نثر بوده است تا هر کس آنها را می‌خواند یا می‌شنود، جانش برافروزد و بیاساید، و اگر آنها را به خاطر بسپارد و به کار بندد، سزاوار صفت «خردمند» شود. او شایستگی «قربت و منادمت مجلس پادشاهان و بزرگان» را در گرو «سخن خوب» و استواری «قاعده الفت میان خردمندان» را نتیجه «گفتار لطیف» می‌داند (نک: مستوفی، خردنامه، ص ۱).

از مجموع صد سخنی که در این رساله آمده، در سی سخن نام‌گوینده ذکر نشده و هفتاد سخن باقیمانده به سی تن از بزرگان یونان و ایران و اسلام منسوب شده است. تنوع گویندگان در هریک از این سه حوزه اندیشگانی نسبتاً گسترده است؛ برای نمونه، از اندیشه یونانی سخنان ارسطاطالیس، اسکندر، افلاطون، بقراط و سقراط، و از اندیشه ایرانی سخنان بزرگمهر (بزرگمهر بختگان*)، خسرو پرویز* و انوشیروان* آورده شده است. در عین حال، بیشترین تنوع مربوط به اندیشه اسلامی است که مجموعاً از ۲۲ شخصیت، سخنانی نقل شده است؛ از جمله سخنان امام علی (ع) و خلفای سه‌گانه، لقمان، حسن بصری، ابن عباس، احنف بن قیس، معاویه، عمرو عاص، و افراد متأخری چون ابوحیان توحیدی و بونصر کندری (نک: ساکت، ص ۲۴۰-۲۴۱، ۲۴۶).

ثعالبی (ص ۶۹۸) که بر اساس آن بارید* صاحب «خسروانیات» است که مطربان تا زمان او در مجالس پادشاهان و غیر ایشان می خوانده اند؛ ۲. گفته مؤلف تاریخ سیستان (ص ۲۱۰): «تا پارسیان بودند سخن پیش ایشان به رود باز گفتندی بر طریق خسروانی»؛ ۳. گفته خواجه نصیرالدین طوسی در معیارالاشعار (ص ۸) و اساس الاقتباس (ص ۵۸۶) که وزن «خسروانیهای قدیم و لاسکویها» را «مجازی»، «غیر تام»، «شبه به وزن» و «مانند خطابه» و استوار بر «تساوی اقوال» می داند؛ ۴. گفته شمس قیس رازی در المعجم (ص ۲۰۰) که بارید را سازنده خسروانی می داند و می گوید او «بناء لحن و اغانی خویش در مجلس خسروپرویز، که آن را خسروانی خوانند، با آنکه سربه سر مدح و آفرین خسرو است، بر نثر نهاده است و هیچ از کلام منظوم در آن به کار نداشته» و در جای دیگر (ص ۱۷۳)، «خسروی» را که به ظن قریب به یقین مقصود از آن چیزی جز خسروانی نیست، در کنار «ابیات فهلوی» نهاده و گفته است که همه اهل عراق به سرودن این نوع اشعار و شنیدن «ملحونات» آنها علاقه بسیار دارند: «لحن اورامن* (اورامان / اورامین) و بیت پهلوی / زخمه رود و سماع خسروی»؛ ۵. گفته عنصرالمعالی در قبابوس نامه (ص ۱۹۳-۱۹۶) که «نوی خسروانی» و «دستان خسروانی» را که «آن را از بهر مجلس ملوک ساختند»، در تقابل با «راههای سبک تر» و «طریقهای» با وزن آسان تر قرار می دهد، چون «راههای گران» و اوزان سنگین خسروانی موافق طبع همه کس نیست و شرط مطربی آن است که بیشتر «طریقهای سبک گویند»، مانند وزن ترانه که لطیف ترین وزنهاست؛ ۶. گفته عوفی در لبالب الألباب (ص ۲۱) که اختراع «نوی خسروانی» را به بارید و عهد پرویز نسبت می دهد. او بر آن است که در «نوی خسروانی» وزن و قافیه و نظیر آن مراعات نشده است. عوفی همچنین در جوامع الحکایات (ج ۲/۱، ص ۳۳۷) گفته است بارید «هر روز به جهت پرویز، خسروانی نو ساختی و بزدی و این خسروانی که در میان مطربان مشهور است همه ساخته بارید است و نسبت بدو دارد»؛ ۷. ذکر خسروانی در کنار لاسکوی و بعضی «پرده های» دیگر در سمک عیار (ج ۵، ص ۲۰۹) که وجود پرده ای به نام لاسکوی و پیوستگی آن با خسروانی را، به رغم نظر بعضی لغویان، تأیید می کند؛ ۸. گفته مؤلفان بعضی فرهنگهای قدیم، مانند برهان قاطع* و فرهنگ جهانگیری* (نک: دهخدا، ذیل «بارید»، «خسروانی»، «نوی خسروانی»؛ شفیع کدکنی، ص ۵۷۰-۵۷۱) با این مضمون که خسروانی «نثری مستجع» است و یکی از الحان باریدی است؛ ۹. اشارات بعضی شاعران که مهم ترین آنها از مسعود سعد سلمان (ص ۱۹۲، ۶۲۲) است:

تا آنجا که می دانیم از این اثر شش نسخه به جا مانده و به دست ما رسیده است (نک: درایتی، ج ۱۳، ص ۶۲۱) که کهن ترین آنها سومین رساله از مجموعه ای است که در کتابخانه چسترییتی دوبلین نگهداری می شود و کاتبی به نام ابوالمحاسن محمدبن سعد، معروف به ابن ساوجی نخجوانی، آن را در ۷۲۹ ق کتابت کرده است (نک: آربری و دیگران، ج ۳، ص ۷۲-۷۳). این کتاب دو بار منتشر شده است: یک بار در ۱۳۴۷ ش، با نام خردنامه که ادیب برومند آن را، براساس دو نسخه، تصحیح کرده است (نک: مشار، ج ۲، ستون ۱۸۷۳) و دیگری در ۱۳۶۸ ش، که محمود عابدی تصحیح دیگری از آن براساس پنج نسخه فراهم آورده و بنابر ترقیمة یکی از نسخه ها آن را خردنمای جان افروز نامیده است. این چاپ در قیاس با چاپ پیشین بهتر و منقح تر است.

منابع: ادیب برومند، عبدالعلی، «سرآغاز»، نک: مستوفی، ابوالفضل یوسف بن علی؛ اذکابی، پرویز، «خردنامه»، دایرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجواد و دیگران، تهران، ۱۳۸۰ ش؛ جمالزاده، محمدعلی، «خردنامه»، یغما، س ۲۱، ش ۶ (پیاپی ۲۴۰)، تهران، شهریور ۱۳۴۷ ش؛ خالقی مطلق، جلال، «اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه»، ایران شناسی، س ۷، ش ۲۸، مرلند، تابستان ۱۳۷۴ ش؛ خرد بر سر جان (نامگانه دکتر احمدعلی رجایی بخارایی)، به کوشش محمدجعفر یاحقی، تهران، ۱۳۹۱ ش؛ دبیرسیاقی، محمد، «اشعار فردوسی در خردنامه و مواضع آنها در شاهنامه»، نامه انجمن، ش ۵، تهران، بهار ۱۳۸۱ ش؛ درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، تهران، ۱۳۹۱ ش؛ ساکت، سلمان، «حکمت های علوی و سروده های فردوسی»، نک: خرد بر سر جان؛ عابدی، محمود، «مقدمه مصحح»، نک: مستوفی، خردنمای جان افروز؛ قادری، حسن، «کلام علی (ع) در سخن شاعری از تبار علوی»، اطلاعات حکمت و معرفت، س ۲، ش ۷، تهران، مهر ۱۳۸۶ ش؛ کریمی زنجانی، محمد و سیده آمنه حسینی، «خردنمای جان افروز»، دایرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجواد و دیگران، تهران، ۱۳۸۰ ش؛ مستوفی، ابوالفضل یوسف بن علی، خردنامه، به کوشش عبدالعلی ادیب برومند، تهران، ۱۳۴۷ ش؛ همو، خردنمای جان افروز، به کوشش محمود عابدی، تهران، ۱۳۶۸ ش؛ مشار، خانابا، فهرست کتابهای چاپی فارسی، تهران، ۱۳۵۱ ش؛

Arberry, A.J., et al, *The Chester Beatty Library, A Catalogue of The Persian Manuscript and Miniatures*, Dublin, 1962.

سلمان ساکت

خسروانی. نوعی شعر یا الحانی که بعضی اشعار احتمالاً هجایی را با آن می خوانده اند. آگاهیهای ما از خسروانیها یا خسروانیات محدود است به بعضی اشارات مورخان و شاعران و فرهنگ نویسان قدیم که مهم ترینشان عبارت اند از: ۱. گفته